

## The Process of Expanding the Idea of *Tawhīd* in the Epistemological Domain of the Social World from the Perspective of Ayatollah Khamenei

Fateme Soleimanipour<sup>1</sup>, Hamid Parsania<sup>2</sup>, Nematollah Karamollahi<sup>3</sup>

<sup>1</sup> PhD., Student, Department of Social Sciences, Faculty of Culture, Social and Behavioral Sciences, Baqir al-Olum University, Qom, Iran (**Corresponding author**).  
soleymanipor@gmail.com

<sup>2</sup> Associate Professor, Department of Sociology, Faculty of Social Sciences, University of Tehran, Tehran, Iran. h.parsania@ut.ac.ir

<sup>3</sup> Associate Professor, Department of Sociology, Baqir al-Olum University, Qom, Iran.  
n.karamollahi@gmail.com

### Abstract

The "social world" has a phenomenological lineage and, in its origins, pursues the "manner of cognizing the social phenomenon" and the modality of the formation of the intersubjective world. Considering the social approach of Ayatollah Khamenei in understanding and reinterpreting *Tawhīd*, the present research seeks to examine the epistemological process of the monotheistic (*Tawhīdī*) social world from his perspective using an analytical approach. The findings demonstrate that the semantic world of *Tawhīd*, until it reaches the stage of applied and operational concepts through objectifying mechanisms, cannot create a transformation in the various domains of the social world and objectively extend its facets in the social dimension. In order for *Tawhīd* to be interwoven into the social context and for its determinations to manifest in social entities, Ayatollah Khamenei undertook four steps in the process of expanding the doctrine of *Tawhīd* in the epistemological domain of the social world, which are: the social determination of monotheistic concepts, the concretization of *Tawhīd* from the context of the humanities, the transformation of the translation movement into a science production movement, and the design of intellectual systems, the outcome of which process will be the realization of scientific authority based on the principle of *Tawhīd* and the negation of the dominance of non-revelatory sciences.

**Keywords:** Social world, *Tawhīd*, Knowledge (*Ma'rifah*), Islamic humanities, Scientific authority, Science production, Ayatollah Khamenei, Scientific movement.

---

**Cite this article:** Soleimanipour, F. & Parsania, H. & Karamollahi, N. (2026). The Process of Expanding the Idea of *Tawhīd* in the Epistemological Domain of the Social World from the Perspective of Ayatollah Khamenei. *Social-Cultural Studies of Hawzah*, 10(1), p. 5-26. <https://doi.org/10.22034/scs.2026.69953.1351>

**Received:** 2025-11-10 ; **Revised:** 2026-01-03 ; **Accepted:** 2026-01-22 ; **Published online:** 2026-03-30

**Published by:** The Scientific Association for Social Studies of the Seminary

©2026/authors retain the copyright and full publishing rights

**Article type:** Research Article



## فرآیند بسط انگاره توحید در ساحت معرفتی جهان اجتماعی از دیدگاه آیت‌الله خامنه‌ای

فاطمه سلیمانی پور<sup>۱</sup>، حمید پارسانیا<sup>۲</sup>، نعمت‌الله کرم‌اللهی<sup>۳</sup>

<sup>۱</sup> دانشجوی دکتری، گروه علوم اجتماعی، دانشکده فرهنگ، علوم اجتماعی و رفتاری، دانشگاه باقرالعلوم (ع)، قم، ایران (نویسنده مسئول). soleymanipor@gmail.com

<sup>۲</sup> دانشیار، گروه جامعه‌شناسی، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه تهران، تهران، ایران. h.parsania@ut.ac.ir

<sup>۳</sup> دانشیار، گروه جامعه‌شناسی، دانشگاه باقرالعلوم (ع)، قم، ایران. n.karamollahi@gmail.com

### چکیده

«جهان اجتماعی»، تباری پدیدارشناسانه دارد و در خاستگاه خود، به دنبال «نحوه شناخت امر اجتماعی» و چگونگی شکل‌گیری جهان بینادهنیت است. با توجه به رویکرد اجتماعی آیت‌الله خامنه‌ای در فهم و بازتفسیر توحید، پژوهش حاضر درصدد است با رویکرد تحلیلی، فرآیند معرفتی جهان اجتماعی توحیدی را از منظر ایشان بررسی کند. یافته‌ها نشان می‌دهد که جهان معنایی توحید، تا از طریق سازوکارهای عینیت‌بخش به مرحله مفاهیم کاربردی و عملیاتی نرسد، نمی‌تواند تحولی را در ساحت‌های مختلف جهان اجتماعی ایجاد کند و به سویه‌های خود در بُعد اجتماعی، امتداد عینی بخشد. آیت‌الله خامنه‌ای به‌منظور تنیده شدن توحید در بافتار اجتماعی و ظهور تعینات آن در هستی‌های اجتماعی، چهار گام در فرآیند بسط آموزه توحید در ساحت معرفتی جهان اجتماعی در پیش گرفتند که عبارتند از: تعیین بخشی اجتماعی مفاهیم توحیدی، انضمام‌سازی توحید از بستر علوم انسانی، تبدیل نهضت ترجمه به نهضت تولید علم و طراحی منظومه‌های فکری که ثمره این فرآیند، تحقق مرجعیت علمی براساس اصل توحید و نفی سلطه علوم غیروحیانی خواهد بود.

**واژه‌های کلیدی:** جهان اجتماعی، توحید، معرفت، علوم انسانی اسلامی، مرجعیت علمی، تولید علم، آیت‌الله خامنه‌ای، نهضت علمی.

**استناد به این مقاله:** سلیمانی پور، فاطمه؛ پارسانیا، حمید؛ کرم‌اللهی، نعمت‌الله (۱۴۰۵). فرآیند بسط انگاره توحید در ساحت معرفتی جهان اجتماعی از دیدگاه آیت‌الله خامنه‌ای. *مطالعات فرهنگی اجتماعی حوزه*، ۱۰(۱)، ص ۵-۲۶. <https://doi.org/10.22034/scs.2026.69953.1351>

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۸/۱۹؛ تاریخ اصلاح: ۱۴۰۴/۱۰/۱۳؛ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۱۱/۰۲؛ تاریخ انتشار آنلاین: ۱۴۰۵/۰۱/۱۰  
نوع مقاله: پژوهشی  
ناشر: انجمن علمی مطالعات اجتماعی حوزه  
نویسندگان دارنده حق مؤلف مقاله خود بدون محدودیت هستند. © ۱۴۰۵





## ۱. مقدمه

جهان اجتماعی، جهانی است که ذیل یک نظام معنایی شکل می‌گیرد (پارسانیا، ۱۴۰۰، ص ۱۴۹). لذا، اهمیت و جایگاه نظام مفاهیم بنیادین، گاه در تراز خود جهان اجتماعی است که تغییر و تحریف آن مفاهیم، به منزله برافکندن بنیان یک جهان است (بقره، ۷۵). از این‌رو، مواجهه جهان اجتماعی توحیدی با جهان‌های غیرالهی و طاغوتی، صرفاً به معنای رویارویی فیزیکی نیست. بلکه سخن از درگیری دو نظام مفاهیم و دو فرهنگ با ارزش‌ها و روش‌های متفاوت است. جهان‌های معنایی، به شرطی قابلیت تحقق اجتماعی دارند که قدرت تغییر و تصرف در روابط اجتماعی را بر مبنای جهان معنایی‌شان داشته باشند. البته، این شرط لازم برای تحقق عینی جهان اجتماعی است؛ نه شرط کافی. در واقع، اولین گام برای عینیت یافتن ایده‌ها و بینش‌ها اعم از الهی و غیرالهی، تولید نظام مفاهیمی است که براساس آن قادر باشند ساختارها، روابط و نهادها را با حداکثر هماهنگی درونی پیشنهاد بدهند، تا افراد در متن جامعه، قادر باشند روابط خرد و کلان خود را به‌راحتی ذیل آن انگاره تنظیم کنند. در غیر این صورت، محکوم به کناره‌گیری به نفع دیگر بینش‌ها خواهند بود؛ چراکه جهان انسانی، فضایی برساخته و تولیدکردنی است و ساخت و ایجاد آن، بیش از هر چیز متأثر از بینش و ایدئولوژی افراد است. لذا، هر بینش و ایدئولوژی، جهان مخصوص به‌خود را می‌سازد تا به اهدافش در تغییر اجتماعی دست یابد. اگر یک جهان معنایی مانند جامعه توحیدی شکل بگیرد، اما همچنان با مفاهیم، روابط، سیاست‌ها و خط‌مشی‌های دوران جاهلی و طاغوتی اداره شود، به‌مرور در دستگاه هاضمه همان معانی که علیه آنها قیام کرده، هضم خواهد شد. لذا، اولین گام در ایجاد یک جهان اجتماعی، انقلاب و تغییر در مفاهیم و مقولات یک فرهنگ و تمدن، و پی‌ریزی بنیان معرفتی جهان جدید است تا در گام‌های بعدی، هستی‌های اجتماعی از جمله ساختارها بر مبنای آن بنیان معرفتی قوام یابند.

پرسشی که مقاله حاضر درصدد پاسخ به آن برآمده، این است که از دیدگاه آیت‌الله خامنه‌ای، فرآیند بسط انگاره توحید در ساحت معرفتی جهان اجتماعی و در نهایت ساخت جهان اجتماعی توحیدی شامل چه گام‌هایی است؟ مطالعه پیشینه موضوع نشان داد که تاکنون هیچ پژوهشی به بازخوانی اندیشه ایشان پیرامون این مسئله نپرداخته است، این در حالی است که مطالعه رهیافت آیت‌الله خامنه‌ای، افزون‌بر دو شأن برجسته «ولّی» و «حکیم» که هم‌زمان در ایشان جمع شده، به عنوان یک «متفکر و اندیشمند اجتماعی» که سال‌های متمادی با مسائل اجتماعی ایران مواجهه مستقیم داشتند، برای امتداد معرفتی جهان اجتماعی توحیدی در عینیت جامعه، بسیار ضروری و حائز اهمیت است. گفتنی است منطق بحث و محور تبیین دیدگاه آیت‌الله خامنه‌ای در این تحقیق، بیاناتی از ایشان است که ناظر و متناسب با خوانش اجتماعی از توحید بوده و دلالت‌های معرفتی یا تاثیرگذار بر ساحت معرفت را دارا باشد. توضیح آنکه، در اندیشه آیت‌الله خامنه‌ای «عبادت» عبارت است از «اطاعت» (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۴۰۱، ص ۱۹۳).



ایشان با استناد به آیه ۹ سوره توبه معتقد است: «اطاعت هر کسی به صورت مستقل و بی قید و شرط، عبادت اوست. اگر کسی را، یک انسان را، یا یک جامعه انسانی، بی قید و شرط اطاعت بکند، فرمان او را در زندگی خود، در جسم و جان خود، در عمل خود، متبع بشمارد، او را عبادت کرده» (همان). از این رو، اگر کسی بخواهد فقط خدا را عبادت کند و عبادت غیر خدا نکرده باشد؛ یعنی موحد باشد، یکتاپرست و یکتاگرا باشد، بایستی اطاعت مطلق خود را به پروردگار اختصاص دهد» (همان، ص ۱۹۵). ایشان پیروی از «قانون»، پیروی از «نظم اجتماعی» (همان) و حتی پیروی از «نظرات علوم اجتماعی و علوم تربیتی» (آیت الله خامنه‌ای، ۱۳۷۳/۱۰/۱۰) را از مصادیق اطاعت و عبادت برمی‌شمارند و معتقدند: «توحید، اصلی است برای زندگی؛ مربوط به نظام‌های اجتماعی، مربوط به جهت‌گیری انسان‌ها در همه حال، مربوط به کیفیت زندگی کردن جامعه‌های بشری» (آیت الله خامنه‌ای، ۱۴۰۱، ص ۱۹۶). توحید اجتماعی ضمن مردود دانستن جریان روشنفکری لیبرال که برده علوم انسانی غرب است و ریشه در شرک دارد و تقبیح مرجعیت راسیونالیته علمی از یک سو؛ و نقد خوانش نظری و اعتقادی صرف از توحید که با کاربست زبان انتزاعی، خدا را به دل مشغولی و اندیشه‌ورزی انحصاری الهی‌دانان بدل ساخته و به زاویه گرفتن و جدا شدن آگاهانه و خودخواسته الهیات از زندگی روزمره انسان‌ها انجامیده است، از سوی دیگر؛ بر عقلانیت معطوف به خداپرستی تأکید دارد. چشم‌انداز تمرکز بر توحید اجتماعی در ساحت بینش و نظر، ترسیم هندسه معرفتی و پاسخگویی به مسائل نوین و زایش مفاهیم و مسأله‌های جدید متناسب با اقتضانات اجتماعی روز، و حل آنها بر مدار توحید است. براساس آنچه گفته شد، آیت الله خامنه‌ای تمام ساحت زندگی انسان را داخل در دائرة پرستش می‌داند و معتقد است مبارزه پیامبران با طواغیت در طول تاریخ، حاکی از لزوم زدودن کفر و شرک به نحو ساختاری و اجتماعی است. از این رو، حد نصاب توحید در رهیافت ایشان «توحید و پرستش اجتماعی» است. در راستای چنین نگرشی، این فرض مطرح می‌شود که چگونه جهان اجتماعی در ساحت معرفتی خود، از انتزاعی‌ترین معانی ذهنی تا عینیت‌یافته‌ترین نمادهایش، می‌تواند متأثر از تجلی توحید به‌عنوان اساسی‌ترین عنصر معنابخش در ادیان الهی به‌ویژه دین مبین اسلام باشد؟ مطالعه آثار و بیانات ایشان نشان می‌دهد که ایشان با معیار قرار دادن توحید به‌عنوان دکترین اجتماعی، فرایندی را برای گذار توحید از ساحت نظری به عینیت اجتماعی در نظر گرفته‌اند، بنابراین پژوهش حاضر در گزینش بیانات ایشان مواردی را که از خصوصیت فوق برخوردار نباشند، خارج ساخته و در ادامه تلاش می‌کند با حفظ امانتداری، دیدگاه ایشان را تفصیل و شرح دهد.

## ۲. مفهوم‌شناسی: جهان اجتماعی توحیدی

جهان اجتماعی اصطلاحی برای جهانی است که به واسطه وجود انسانی و کنش‌هایش، تقویم و بنیان



می‌شود (Lawson & Garrod, 2001, p. 23). این اصطلاح که در جامعه‌شناسی پدیده‌شناختی، در کنار مفاهیمی چون جهان زندگی یا زیست‌جهان و دیگر مفاهیم پدیده‌شناسی تعریف می‌شود، به شناخت و تجربه ذهنی انسان اشاره دارد (Wagner, 1970, p. 32)؛ بر این اساس، جهان اجتماعی از هویتی معنایی برخوردار است و به معانی بین‌الذهانی که در روابط اجتماعی، کنش‌های انسانی براساس آن بنیان می‌گردد، اطلاق می‌شود. تفاوت این مفهوم با واژه «زیست‌جهان» که به کنش‌های روزمره مردم در جامعه اشاره دارد، در این است که زیست‌جهان به مهارت‌های عملی انسان‌ها پیش از هر مواجهه آگاهانه یا نظری با جهان، گفته می‌شود (ادگار و دیگران، ۱۳۸۸، ص ۲۸۹). به عبارت دیگر، زیست‌جهان بر کنش‌های «پیش‌نظری» دلالت دارد، در حالی که جهان اجتماعی کنش‌های مبتنی بر «آگاهی بین‌الذهانی» و «پسانظری» را شامل می‌شود. استقرار یک جهان اجتماعی به معنای عهدی است که جامعه با آن نظام معنایی ایجاد کرده است. این استقرار تا زمانی پابرجاست که عاملان بر آن عهد وفادار بمانند و آن معنا را از طریق کنش‌های خود بازتولید نمایند (پارسانیا، ۱۴۰۰، ص ۱۸۵). بنابراین، با عبور عاملان از یک نظام معنایی و ورود آنها به نظامی دیگر، هم نوع نوینی از انسان پدید می‌آید و هم فرهنگ و جهان اجتماعی جدید شکل می‌گیرد، چنانچه شاهد این تغییر از جامعه جاهلی و انسان مشرک به جامعه توحیدی و انسان موحد هستیم (پارسانیا، ۱۴۰۰، ص ۱۴۳-۱۵۲). باتوجه به تعریفی که از جهان اجتماعی گفته شد، روشن می‌گردد که «جهان اجتماعی توحیدی»، به جهانی تعلق دارد که انگاره‌های ذهنی عاملان و ساختارهای نرم و سخت چنین جهانی و همچنین شبکه روابط در آن، ذیل مفهوم قدسی توحید سامان یافته باشد (پارسانیا، ۱۴۰۰، ص ۱۵۱).

### ۳. اهمیت و ضرورت پژوهش

آیت‌الله خامنه‌ای بارها با انتقاد از امتداد نیافتن حکمت نظری بینش اسلامی، به‌ویژه آموزه متعالی توحید، این ضعف را مهم‌ترین خلاء در نظریه‌پردازی قلمداد کرده و معتقدند: «نقص فلسفه ما این است که این ذهنیت، امتداد سیاسی و اجتماعی ندارد. فلسفه‌های غربی برای همه مسائل زندگی مردم، کم و بیش تکلیفی معین می‌کند: سیستم اجتماعی را معین می‌کند، سیستم سیاسی را معین می‌کند، وضع حکومت را معین می‌کند، کیفیت تعامل مردم با همدیگر را معین می‌کند؛ اما فلسفه ما به‌طور کلی در زمینه ذهنیات مجرد باقی می‌ماند و امتداد پیدا نمی‌کند. شما بیایید این امتداد را تأمین کنید، و این ممکن است؛ کما اینکه خود توحید یک مبنای فلسفی و یک اندیشه است؛ اما شما ببینید این توحید یک امتداد اجتماعی و سیاسی دارد» (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۸۲/۱۰/۲۹). دغدغه عینی‌سازی معارف اسلامی در منظومه فکری آیت‌الله خامنه‌ای به ترجمه‌های ایشان در دهه ۴۰ و همچنین آثار ایشان در دهه ۵۰ برمی‌گردد. ایشان در معرفی کتاب «آینده در قلمرو اسلام» (نوشته سید قطب) از اسلام زندگی‌ساز،



سپیده‌گشا و روزآفرین سخن گفته است (سید قطب، ۱۳۸۷، ص ۹). همچنین، در طلیعه مقدمه‌ای که برای کتاب «طرح کلی اندیشه اسلامی در قرآن» نوشته‌اند، به امکان «طرح اسلام، به صورت مسلکی اجتماعی و دارای اصول منسجم و یک‌آهنگ و ناظر به زندگی جمعی انسان‌ها» اشاره کرده و از آن به‌مثابه «یکی از فوری‌ترین ضرورت‌های تفکر مذهبی» یاد کرده‌اند (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۴۰۱، ص ۳۵). آیت‌الله خامنه‌ای در فضای تفسیری حاکم بر عمده مفسرین در دهه ۵۰، به طرح ایده‌ای می‌پردازند که گزارش پیشبرد آن را می‌توان در بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی ملاحظه کرد. محور اصلی دغدغه ایشان - که همچنان پابرجاست - تأکید بر ضرورت استخراج ظرفیت‌های مغفول منابع اسلامی و تدوین و تنظیم آنها در قالب یک مسلک اجتماعی است. از آنجا که روح حاکم بر اندیشه اجتماعی آیت‌الله خامنه‌ای یا هسته مرکزی و عنصر بنیادین آن، «توحید» است، بازخوانی اندیشه ایشان به‌منظور تئوریزه کردن فرآیندی که بیان‌کننده چگونگی خلق یک نظام اجتماعی بر بنیان ریشه‌های «جهان‌بینی توحیدی» باشد، ضروری است.

#### ۴. گام‌های بسط انگاره توحید در ساحت معرفتی جهان اجتماعی

آیت‌الله خامنه‌ای برای برون‌رفت از وضعیت ذهن‌بستگی که در فهم توحید حاکم شده و به منظور بسط آن به واقعیت‌های عینی معطوف به ساحت فرهنگ و اجتماع، گام‌هایی را مطرح کرده‌اند که ثمره آن در صورت اهتمام، امتداد معرفتی توحید در عینیت جامعه خواهد بود.

##### ۴-۱. تعیین‌بخشی اجتماعی مفاهیم با رویکرد توحیدی

«یکی از نیازهایی که مورد ابتلاء همه جوامع اسلامی و همه کشورهای اسلامی است و به آن نیاز دارند و بخصوص کشور عزیز ما، عبارت است از اینکه مفاهیم اسلامی را به مرحله و عرصه عمل بکشانیم. منظومه معرفتی و ارزشی اسلام یک مجموعه مفاهیم است و آوردن این مفاهیم به میان مردم و آنها را به مرحله و منصب عمل درآوردن، کار بسیار بزرگ و مهمی است. باید مفاهیم معرفتی اسلام، جنبه و ترجمه عملیاتی پیدا کند و عمل به آنها، ممکن و رایج شود» (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۹۹/۱۲/۰۴). آیت‌الله خامنه‌ای با توجه به اینکه گسترش و پیش‌روی نظام اسلامی، باعث مواجهه آن با مسائل، چالش‌ها و وضعیت جدید داخلی و بین‌المللی است، گسترش «عقبه فکری تغذیه‌کننده نظام» را لازم دانسته و معتقدند: «آن عقبه فکری که نظام را دارد جلو می‌برد و تغذیه می‌کند و از انحرافش جلوگیری می‌کند، باید تقویت بشود، باید «مفاهیم جدید» مطرح بشود» (همان). ایشان در ارتباط با مفاهیم جدید معتقدند که: «این مفاهیم جدید از بیرون نمی‌آید، از داخل خود مفاهیم اسلامی است، از متن قرآن و سنت است که مطرح می‌شود. همچنین، معنای نو کردن منظومه معرفتی اسلام، دستکاری در این منظومه معنوی نیست، بلکه این است که تا وقتی ما به حقایقی که در کتاب و سنت هست، «احتیاج» پیدا نکنیم، متوجه و متنبه



نیستیم، اما هنگامی که احتیاج پیدا کردیم، این مفاهیم برای ما، «عینی» می‌شوند و خودشان را نشان می‌دهند» (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۹۹/۱۲/۴). بنابراین، با قرار گرفتن در وضع عینی و بیرونی جهان اجتماعی توحید، باید ذهنمان به سوی مفهوم خاصی از منظومه معرفتی اسلامی هدایت گردد و آن مفهوم در بستر این وضع عینی، «معنا» و «دلالت» و «کارکرد» خود را برای ما آشکار سازد. از آنجا که موقعیت‌ها، نوبه‌نو شونده و تغییر یابنده هستند، باید در موقعیت‌های جدید، مفاهیم جدید را به عرصه آورد. باید به حس و حالی که «موقعیت» به ما منتقل می‌کند، بهاء بدهیم و از آن برای مفهوم‌پردازی استفاده کنیم. این «تنبه» و «خودآگاهی» برخاسته از تجربه زیسته، راهگشاست. البته مقصود از موقعیت در اینجا، نه موقعیت‌های شخصی، بلکه موقعیت‌های تاریخی و معطوف به شدن‌ها و تحولات درونی جهان اجتماعی است. ایشان در همین راستا و ناظر به موقعیت‌های عینی و انضمامی، خود به طراحی مفاهیم میانجی و عملیاتی، مبتنی بر انگاره توحیدی مبادرت کرده که از نمونه‌های آن می‌توان به: «اقتصاد مقاومتی» در مقابل اقتصاد نئولیبرالیسم، «الگوی سوم زن مسلمان» در مقابل زن غربی، «الگوی ایرانی-اسلامی پیشرفت» در مقابل نظریه توسعه غربی و «نام‌گذاری سال‌ها»<sup>۱</sup> اشاره کرد. در تمدن غرب نیز با غلبه ساحت مادی و دنیوی، مفاهیم، و بلکه نظام مفاهیم جدیدی پایه‌ریزی شده که یکی از بزرگ‌ترین ابزارهای سلطه‌گری در دو قرن اخیر محسوب می‌شود. به ویژه در قرن بیستم که واژه‌سازی و اشاعه اصطلاحات و مفاهیم علوم اجتماعی را نیز شامل می‌شود و این زبان و تفکر غرب در شکل مفاهیم نظام‌مند است که بر دیگران حکم می‌راند. حتی دستور روزانه نخبگان و روشنفکران بر جوامع دیگر را تشکیل می‌دهد (مولانا، ۱۳۸۰، ص ۱۲۴). داریوش آشوری در این زمینه می‌گوید: «با سروری مادی که تمدن غرب در نتیجه پیروزی‌هایش در زمینه علم و تکنیک و بر اثر این طرز فکر به دست آورده، مفاهیم و مقولات بنیادی این تمدن تمام زمین را فتح کرده و جانشین تمام مفاهیم و مقولات بنیادی تمدن‌های کهن شده است. به همین مناسبت، جهان امروز یک‌سره جهانی غرب‌زده بوده و بشریت امروز در حوزه تاریخی تمدن غرب زندگی می‌کند و به معیار آن می‌اندیشد و عمل می‌کند. مقولات فکری غربی برای ما صورت مطلق پیدا کرده‌اند و غرب امروزه مطلق است که همه جهان خود را نسبت به آن می‌سنجد» (آشوری، ۱۳۷۶، ص ۷۶). در واقع «نظام سلطه، زورگویی‌های خود را در لباس مفاهیم شریف، بر دنیا تحمیل می‌کنند. آنها می‌گویند «حقوق بشر»، اما منافع غرب را اراده می‌کنند؛ می‌گویند «دموکراسی» و دخالت نظامی در کشورها را به جای آن می‌نشانند؛ می‌گویند «مبارزه با تروریسم»، و مردم بی‌دفاع را آماج

۱. «اینکه ما هر سالی را به نامی و با شعاری موسوم می‌کنیم و سال را با این نام و با این شعار آغاز می‌کنیم، صرفاً یک عمل تشریفاتی نیست ... این نامگذاری‌ها به ما و ملت و مسئولان نشان می‌دهد که چه می‌خواهیم و دنبال چه هستیم، یا باید به دنبال چه باشیم. ... برای این است که همه مسئولان و همه آحاد ملت احساس کنند که در این جهت مسئولیت دارند» (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۸۴/۰۱/۰۱).



سلاح‌های خود قرار می‌دهند... منافع خود را به نام «قوانین بین‌المللی»، و سخنان تحکم‌آمیز و غیرقانونی خود را به نام «جامعه جهانی»، بر ملت‌ها تحمیل می‌کنند و با شبکه رسانه‌ای انحصاری سازمان یافته، دروغ‌های خود را راست، و باطل خود را حق، و ظلم خود را عدالت‌طلبی وانمود می‌کنند و در مقابل، هر سخن حقی را که افشاگر فریب آنها است، دروغ و هر مطالبه بر حقی را یاغی‌گری می‌نامند» (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۹۱/۰۶/۰۹).

«همچنین، غرب در سال‌های اخیر کوشیده است به ترفند بدل‌سازی و تولید مفاهیم تقلبی دست بزند تا عملیات «تروریسم ضد مردمی» را به جای «شهادت‌طلبی»، «تعصب» و «تحجر و خشونت» را به جای «اسلام‌گرایی و جهاد»، «قومیت‌گرایی و قبیله‌بازی» را به جای «اسلام‌خواهی و امت‌گرایی»، «غرب‌زدگی و وابستگی اقتصادی و فرهنگی» را به جای «پیشرفت مستقل»، «سکولاریسم» را به جای «علم‌گرایی»، «سازش‌کاری» را به جای «عقلانیت» «افساد و هرج و مرج اخلاقی» را به جای «آزادی»، «دیکتاتوری» را به نام «نظم و امنیت»، «مصرف‌زدگی، و اشرافی‌گری» را به نام «توسعه و ترقی»، «فقر و عقب‌ماندگی» را به نام «معنویت‌گرایی و زهد» معرفی کند» (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۹۰/۱/۱۴).

«مقوم این نسخه‌های جعلی و دروغین، سلسله مفاهیمی هستند که غرب، معنای آن‌ها را دستکاری کرده است، و عرصه اصلی نزاع و کشمکش نیز، همین مفاهیم هستند. نظام سلطه از رسانه‌های قدرتمند خود بهره می‌گیرد، تا در معنای مفاهیم تصرف کند و معنایی برای هر یک از آنها معرفی نماید که خود می‌خواهد، هرچند واقعیت، چیز دیگری بگوید. این روش، نوعی تحمیل‌گری و زورگویی است که منطق مواجهه جهان غیرتوحیدی غرب با سایر جوامع را نشان می‌دهد. در مقابل این منطق استکباری، مسلمانان باید «آزادی و حقوق اجتماعی» را منهای «لیبرالیسم»، و «برابری» را منهای «مارکسیسم» و «نظم» را منهای «فاشیسم غرب» نهادینه کنند؛ تقید خویش به «شریعت مترقی اسلام» را حفظ نمایند، بی‌آنکه گرفتار «جمود» و «تحجر» شوند؛ «مستقل» شوند، بی‌آنکه «منزوی» شوند؛ «پیشرفت» کنند، بی‌آنکه «وابسته» شوند؛ «مدیریت علمی» کنند، بی‌آنکه «سکولاریزه» و «محافظه‌کار» شوند» (همان). در حقیقت، این منازعه زبانی پوششی است که جهان سلطه از آن برای توجیه و تطهیر خود استفاده می‌کند و دیگران را می‌فریبد، اما روشن است که در نهایت تناقض میان مفاهیم و اعمال بر همگان آشکار می‌شود و پرده‌ها از روی واقعیت‌های تلخ و نفرت‌انگیز سیاست‌های استکباری دولت‌های غربی کنار می‌رود؛ چنانکه امروز تا حد زیادی این وضعیت پدید آمده است. معیارهای غربی دوگانه است، آنها منافقانه می‌کوشند تا مفاهیم را مطابق منافع خود، تفسیر و سپس بر سایر جوامع تحمیل کنند. ما باید هرچه می‌توانیم، این تعارض‌ها و تناقض‌ها را بیابیم و آشکار سازیم، تا زمینه جهانی و معرفتی برای اغواگری و دروغ‌گویی دولت‌های غربی، نامساعد گردد.

جدول ۱- مفاهیم بدل‌سازی شده در تناظر مفاهیم اصیل

مفهوم اصیل	مفهوم ساختگی
شهادت‌طلبی	تروریسم ضد مردمی
اسلام‌گرایی	تحجر
جهاد	خشونت
امت‌گرایی	قبیله‌گرایی
علم‌گرایی	سکولاریسم
عقلانیت	سازش‌کاری
مصرف‌زدگی	توسعه و ترقی
پیشرفت مستقل	وابستگی اقتصادی و فرهنگی

بنابراین، «هر نظام اجتماعی به عنوان سخت‌افزار، اگر نرم‌افزار مناسب خود را نداشته باشد، قادر به ایجاد تحول نخواهد بود» (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۹۹/۱۲/۰۴). ایجاد نظام مفاهیم بنیادین، اولین گام در مسیر تحول ساختارها است.

#### ۴-۲. تولید علوم انسانی تعیین‌بخش توحید انضمامی

ساخت یک جهان اجتماعی با غایتی خاص و تحقق یافتن یک تمدن، بدون تولید علوم تراز آن جهان و تمدن امکان‌پذیر نیست؛ لذا، ساخت جهان اجتماعی توحیدی و تشکیل تمدن نوین اسلامی بر پایه توحید و آموزه‌های وحیانی، بدون تحول در دانش‌های موجود و تولید علوم مطلوب، میسر نمی‌شود. اگرچه همه دانش‌ها و علوم به‌کار گرفته شده در جامعه نقش غیرقابل انکاری در جهت‌گیری آن جامعه دارند، اما در میان شبکه دانش‌های بشری، جایگاه «علوم انسانی» در پیدایش تحولات اجتماعی فراگیر، جایگاه ویژه‌ای است و تاثیر زیادی در مقایسه با سایر علوم دارد؛ زیرا انسان به‌ماهو انسان و اراده‌های انسانی، موضوع محوری علوم انسانی هستند و به دلیل تلقی خاصی که از انسان به عنوان موجود مختار دارند و به آدمی -در مقایسه با سایر موجودات و پدیده‌های عالم- به عنوان موجودی ذوابعد و دارای ارگانیک پیچیده می‌نگرند، منزلت ویژه‌ای در شبکه دانش‌های بشری پیدا می‌کنند. این منزلت در پرداختن علوم انسانی به پیچیدگی خاص آدمی از حیث فاعل مختار بودن‌اش ریشه دارد. در واقع، دانش‌های اجتماعی و علوم انسانی، ابزار جریان یک نظام فکری در عینیت جامعه هستند و از طریق نظام محاسباتی و چارچوب‌های نظری که عرضه می‌کنند، زمینه دفاع و صیانت از آن نظام فکری را فراهم می‌سازند. بر این اساس، هر نوع جهان اجتماعی، مقاصد و غیایاتی را برای جامعه تعیین و تجویز می‌کند و ملاک پیشرفت را، شتاب حرکت به سمت آن مقاصد و غایات می‌داند. به دلیل وجود تفاوت‌ها و اختلاف‌های غایی و ارزشی میان جوامع انسانی، بسیاری از مقاصد و غایات جوامع، با یکدیگر مغایر و حتی گاه متضاد است. اگر علوم انسانی باید در خدمت وصول جامعه به آرمان‌هایش باشد و اگر



آرمان‌های جهان اجتماعی توحیدی با آرمان‌های جهان مادی غرب متفاوت است، ما به عنوان یک جامعه اسلامی نمی‌توانیم از علوم انسانی غربی در راستای وصول به آرمان‌های اجتماعی مان بهره‌گیریم؛ چراکه علوم انسانی غربی برای وصول به آرمان‌های دیگری ساخته و پرداخته شده و به خدمت هر آرمانی در نمی‌آید. طبق قاعده حرکت، میان مسیر و مقصد، تناسب وجود دارد و از هر مسیری برای رسیدن به هر مقصدی نمی‌توان استفاده کرد. علوم انسانی همچون مسیر است که جامعه را به سوی آرمان‌ها و مطلوب‌های خاصی سوق می‌دهد. بنابراین، آنگاه که مقصد مختلف است، باید مسیر را تغییر داد. آیت‌الله خامنه‌ای معتقد است که علوم انسانی غربی به دلیل ابتناء بر یک سلسله مبادی مادی و ضد دینی نمی‌تواند به خدمت دستیابی جامعه اسلامی به آرمان‌هایش درآید و هدف‌های آن را برآورده سازد. این استدلال دقیقاً در راستای همخوانی نرم‌افزار با سخت‌افزار است. باتوجه به اینکه در عصر حاضر، حکمرانی جز از طریق الگوهای اجرایی برآمده از علوم انسانی ممکن نیست و الگوهای اجرایی که در ایران از اواسط دوران قاجار به‌کار گرفته شده‌اند، برخاسته از مبانی الهی نبوده‌اند؛ حاصل بکارگیری این الگوها که عمدتاً خاستگاه غربی داشته، گسترش تمایل به مادی‌گرایی در سطوح و لایه‌های مختلف جامعه شده است. لذا، آیت‌الله خامنه‌ای به یکی از مصادیق مهم، و اثرگذاری نامحسوس و تدریجی علوم انسانی غربی بر تقدیر جامعه اسلامی اشاره می‌کند و می‌گوید «در خلاء علوم انسانی اسلامی، مفاد و مضامین علوم انسانی غربی به دانشجویان آموزش داده می‌شود، در حالی که این علوم، با مقاصد و اقتضانات جامعه و نظام اسلامی تعارض دارند. آنگاه این افراد که حامل آموزه‌ها و تجویزهای علوم انسانی غربی هستند، عهده‌دار مسئولیت‌های سیاسی، اقتصادی و فرهنگی می‌شوند و براساس آموخته‌های مسموم خود، به تدبیر امور می‌پردازند» (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۸۹/۰۷/۲۹). «اگر جای این نظریه‌پردازی دینی پُر نشد ... نظریه‌های غربی، نظریه‌های غیردینی، و نظریه‌های مادی جای آنها را پُر خواهد کرد؛ چون هیچ نظامی، و هیچ مجموعه‌ای نمی‌تواند در خلاء مدیریت کند؛ بلکه یک نظام مدیریتی دیگری، یک نظام اقتصادی دیگری، یک نظام سیاسی دیگری که ساخته و پرداخته اذهان مادی است ... جایگزین می‌شود؛ همچنانکه در آن مواردی که این خلاءها محسوس شد و وجود داشت، این اتفاق افتاد» (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۸۹/۰۷/۲۹). در نتیجه، چنین نیست که الگوهای اجرایی غربی تأثیری در ساخت جامعه و سازندگی انسان نداشته باشند و ذاتاً مسموم نباشند. حتی چنین نیست که الگوهای اجرایی غربی که در ساحت واقعیت‌های اجتماعی و عینی قرار گرفته‌اند، تأثیری در اعتقادات فردی و نظری افراد جامعه اعم از مردم و مسئولین نداشته باشد. بلکه کارآمدی‌های اجتماعی و عینی این الگوها، به تدریج و موربانه‌وار، اعتقادات فردی و نظری افراد را حتی نسبت به اصول دین و مذهب؛ یعنی توحید، عدل، نبوت، امامت و معاد متزلزل می‌کند و در معرض نابودی قرار می‌دهد. به بیانی دیگر، در دوران مدرن، واقعیت‌های اجتماعی با الگوهای اجرایی مدیریت می‌شوند و جوامع، ساخته و پرداخته الگوهای اجرایی و مدیریتی



دولت‌ها و کشورها هستند. این الگوهای اقتصادی، سیاسی، فرهنگی، آموزشی و غیره هستند که ساختارهای اجتماعی را شکل می‌دهند و تحول و شکل‌گیری جامعه را مدیریت می‌کنند و از این طریق حتی مضمون و محتوای نگرش افراد، باورها و ارزش‌ها و حتی سلیقه‌ها و حس زیبایی‌شناختی افراد را جهت می‌دهند. از این‌رو است که الگوهای اجرایی آثار تربیتی فراوان دارند. به تعبیر صریح‌تر، الگوهای اجرایی هم جامعه‌سازی می‌کنند، هم انسان‌سازی؛ یعنی دقیقاً رسالتی که برعهده دین گذاشته شده و خداوند متعال انبیاء را به این منظور مبعوث فرموده است. بنابراین، اگر الگوهای اجرایی بر مادی‌گری مبتنی باشند، جهانی مادی، و اگر الهی باشند، جهانی توحیدی خواهند ساخت. ریچل لاکوود در مقاله «قدرت و سازوبرگ‌های ایدئولوژیک دولت» به تأثیر ایدئولوژیک الگوهای اجرایی پرداخته و می‌نویسد: «هر شخص به عنوان بازیگر اجتماعی، وظایف نقشی خود را انجام می‌دهد. لذا، ما مجموعه‌ای از وظایف نقشی را داریم که براساس الگوهای اجتماعی شکل می‌گیرند و این الگوها با خود نظرگاه‌های ایدئولوژیک حمل می‌کنند» (Lockwood, 1970, p. 27).

«در اصطلاح‌شناسی فوکویی این امر «قدرت» نامیده می‌شود که در مقابل «سلطه» قرار دارد. لویی آلتوسر<sup>۱</sup> این امر را سازوبرگ‌های ایدئولوژیک دولت می‌نامد (Ibid, p. 29). «این فرآیند در همه لحظاته‌اش یک شاکله‌بندی اجتماعی ایدئولوژیک است. در نتیجه، سازوبرگ‌های ایدئولوژیک دولت، ما را به وسیله قوانین هنجاری کنترل می‌کند» (همان، ص ۵۲). بر این اساس، آنچه مانع تحقق توحید و توسعه پرستش در سطح جامعه می‌شود، عدم خواست و اراده رهبران، مردم و کارگزاران نظام توحیدی نیست، بلکه مهم‌ترین عامل، عدم الهی بودن الگوهای اجرایی به‌کار گرفته شده در جهان اجتماعی است؛ زیرا اعتقادات فردی و نظری در تقابل و تضاد با الگوهای اجرایی قرار دارد. «اینکه بنده درباره علوم انسانی در دانشگاه‌ها و خطر این دانش‌های ذاتاً مسموم هشدار دادم - هم به دانشگاه‌ها، هم به مسئولان - به خاطر همین است. این علوم انسانی که امروز رایج است، محتوایی دارد که ماهیتاً معارض و مخالف با حرکت اسلامی و نظام اسلامی است. ... وقتی اینها رایج شد، مدیران براساس آنها تربیت می‌شوند؛ [و] همین مدیران ... در رأس دانشگاه در رأس اقتصاد کشور، در رأس مسائل سیاسی داخلی، خارجی، امنیت، غیره و غیره قرار می‌گیرند» (همان). به این ترتیب علوم انسانی غربی به واسطه عملیات‌های انسانی آموزش‌دیده، همچنان در جهان اجتماعی بازتولید و تکثیر می‌شود و از چرخه معرفتی، در عالم عینی و مدیریتی نیز اثر می‌گذارد و موجب می‌شود سیاست‌ها و برنامه‌ها با ماهیت و غایات نظام توحیدی، بیگانه گردد. به طور کلی، آیت‌الله خامنه‌ای سخت بر این باور است که باید مرزهای فکری و معنایی ما با جهان‌های فکری و معنایی دیگر، برقرار و پررنگ باشند، تا اختلاط و اضمحلال پدید نیاید و ما استقلال و

1. Louis Althusser



تشخص جهان فکری و معنایی خود را نسبت به جهان‌های فکری و معنایی دیگر از دست ندهیم. البته این حکم، نافی تعامل و ارتباط نیست، بلکه مقیدکننده و منضبط‌کننده آن است. علوم انسانی غربی به مثابه یک جهان فکری و معنایی، مشمول این حکم می‌شود و از این رو ما باید از مرزبندی شفاف و صریح با آن غفلت نکنیم. آیت‌الله خامنه‌ای بارها و بارها، تحول در علوم انسانی و عبور از علوم انسانی سکولار را از صاحب‌نظران و پژوهشگران متعهد حوزه و دانشگاه، مطالبه نمودند؛ زیرا علوم انسانی از منظر ایشان، «روح دانش» است؛ به این معنی که علوم انسانی نسبت به سایر علوم -از قبیل علوم پایه و علوم طبیعی- اصالت دارد و مسیر و مدار حرکت و غایات و مقاصد آنها را مشخص می‌سازد (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۹۰/۰۷/۱۳). تشبیه علوم انسانی به روح مستلزم آن است که سایر علوم در جایگاه کالبد و جسم قرار گرفته و متأثر از علوم انسانی و زیر سایه آن باشند. علوم انسانی علومیه هستند که فکر و اندیشه می‌آفرینند و همین فکر و اندیشه است که تحولات معرفتی و اجتماعی را رقم می‌زند. علوم طبیعی تابع علوم انسانی هستند؛ یا پیشرفت آنها، معلول شکل‌گیری فکرها و اندیشه‌هایی است که در حوزه علوم انسانی قرار می‌گیرند. در واقع، رویکرد توحیدی زمانی در متن علوم سریان می‌یابد که توحید و لوازم معرفتی آن، هم در مقام توصیف و تبیین، هم در ساحت مبانی و غایات حرکت و هم در تعیین اصول کلی حرکت و چگونگی حرکت، حضور منطقی پیدا کند. بر این اساس، تحول و تکامل جهان اجتماعی توحیدی، نیازمند تحول و تکامل علوم رایج در جامعه توحیدی است و نمی‌توان بدون پی‌افکندن بنیان‌های مستحکم و ریشه‌دار برای ایجاد تحول در علوم انسانی رایج، در مجامع علمی مسلمین و تولید دانش‌های اجتماعی اسلامی، اقدامی شایسته و صائب برای برپایی تمدن نوین اسلامی کرد؛ زیرا تحول در علوم موجود و تولید علوم انسانی اسلامی در تراز راهبری تمدن، بهترین ابزار برای جریان یافتن اصول و شاخص‌های توحید در عینیت جامعه است که به تحقق عینی توحید و اقامه اسلام ناب محمدی (ص) می‌انجامد و مناسب‌ترین طریق برای دفاع و صیانت از دین محسوب می‌شود.

## ۵. گام‌های تاثیرگذار در بسط انگاره توحید در ساحت معرفتی جهان اجتماعی

بخشی از فرآیندهای مستخرج از دیدگاه آیت‌الله خامنه‌ای گرچه از سنخ معرفتی نیستند، ولی در ساحت معرفتی جهان اجتماعی تاثیرگذارند، این موارد عبارتند از:

### ۵-۱. تبدیل نهضت ترجمه به نهضت علمی و نرم‌افزاری

یکی از مهم‌ترین و اساسی‌ترین لایه‌های تمدنی، «لایه علمی» آن است که بنیان معرفتی جهان اجتماعی براساس آن قوام می‌یابد. این لایه، در تاریخ تمدن اسلامی به سبب برجستگی‌های چشمگیر آن، به یک واقعیت تاریخی درخشان و کم‌نظیر تبدیل شد؛ به گونه‌ای که حتی برای صورت‌بندی مجدد تمدن اسلامی در دوره پیش‌رو نیز، این لایه، درخور غور و تعمق فراوان است. لایه علمی تمدن اسلامی، از



لحاظ چگونگی شکل‌گیری و سیر تکاملی، به سه مرحله تاریخی - معرفتی تقسیم شده است: مرحله «ترجمه علم» که ناظر به اهتمام مسلمانان نسبت به جستجو و طلب علوم بیگانه است؛ مرحله «تولید علم» که حاکی از گذار شتابان مسلمانان از منزل ترجمه و دستیابی به استقلال و اقتدار معرفتی است؛ و مرحله «صدور علم» که معکوس شدن روند ترجمه در تمدن اسلامی را روایت می‌کند و اثرگذاری فراتمدنی و عالم‌گیر آن را نشان می‌دهد (زیدان، ۱۳۸۹، ص ۵۷۸). در این میان، توجه به این نکته ضروری است که اقتباس و برگرفتن علوم و معارف از جامعه دیگر، بر دو گونه است: یکی اینکه جامعه اقتباس‌کننده، در «تقلید» و «تکرار»، متوقف می‌ماند و نمی‌تواند افزوده‌ای را مطرح سازد؛ دیگر اینکه این جامعه پس از اقتباس و فراگیری، دانسته‌ها و اندوخته‌ها را در درون خود، «هضم» و «مستحیل» می‌کند و بر «تکمیل» و «تصحیح» آنها و ایجاد معارفی «نوپدید» و «مبدعانه»، همت می‌گمارد. مصداق برجسته گونه دوم از فرآیند «ترجمه»، نهضت ترجمه در تمدن اسلامی است؛ مسلمین در بستر تمدن اسلامی، درست است که به بازخوانی و فراگیری موارد معرفتی سایر جوامع و تمدن‌ها علاقه نشان دادند و به ترجمه متون علمی آنها پرداختند، اما در مرحله بعد، قوه عاقله و خلاقیت خویش را به کار بستند و توانستند ساختارها و بناهای معرفتی جدیدی را تأسیس کنند. شهید مطهری معتقد بود که سرعت و شتاب بالای پیشرفت علمی مسلمین، به دو عامل ربط داشت. یکی اینکه مسلمانان در اقتباس علوم از سایر اقوام و جوامع، تعصب نمی‌ورزیدند، بلکه با تساهل، علوم آن‌ها را دریافت و مطالعه می‌کردند (مطهری، ۱۳۹۲، ص ۳۸۹-۳۸۷). از این رو، تمدن اسلامی، نه صرفاً گردآورنده اندوخته‌های علمی سایر تمدن‌ها و جوامع بوده، نه امتداد و عقبه تاریخی آنها، و نه ترکیبی التقاطی و چندپاره از آنها است. مسلمین با مبنا قرار دادن قرآن کریم و آیین اسلام، به مطالعه دقیق میراث معرفتی جوامع عبری، یونانی، هندی، ایرانی، ترکی، چینی و... پرداختند و آنچه را که تصور می‌کردند با فرهنگ و معارف اسلامی، سازگاری و انطباق دارد، برگزیدند و دست‌مایه و توشه تحركات معرفتی خود قرار دادند، اما در نهایت، تمدنی با هویت معرفتی «مستقل» و «متفاوت» ساختند که با هیچ‌یک از تمدن‌های دیگر و از جمله تمدن غرب، قابل مقایسه نبود (زرین‌کوب، ۱۳۸۹، ص ۳۰-۳۱). بنابراین، از نهضت ترجمه علم در تمدن اسلامی این نکته فرجام‌آفرین را می‌توان آموخت که اهتمام به ترجمه به منظور بهره‌برداری از علوم سایر تمدن‌ها و جوامع، نه تنها مذموم نیست، بلکه «مطلوب» است؛ اما آنچه اهمیت دارد، این است که «نباید «ترجمه»، اصالت یابد و این «وسيله»، بر جای «هدف» تکیه بزند و مجال را از آن بستاند. از سوی دیگر، نباید به این واقعیت بی‌اعتنا بود که چنانچه جامعه ترجمه‌کننده، احساس حقارت و خودباختگی کند و یا همت و تلاش حقیقی خود را به‌کار نگیرد، همچنان در مرحله ابتدایی و مقدماتی ترجمه متوقف می‌ماند، و در واقع، به‌گزند «ترجمه‌زدگی» یا «فکر ترجمه‌ای» (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۸۲/۰۹/۲۶) مبتلا می‌گردد؛ یعنی به «ترجمه» و «اقتباس» و «تقلید» و «تکرار» و «مصرف» علم دیگران، عادت می‌کند و فرصت



«تولید»، «نوآوری» و «اخلاقیت» علمی را از دست می‌دهد. در چنین جامعه‌ای، فعالیت علمی به «ترجمه‌گری» منحصر می‌شود و همه یا اغلب اهل علم، به «ریزه‌خواری» و «گرته‌برداری» از سفره‌ خردورزی دیگران (بیگانگان) مشغول می‌شوند.

آیت‌الله خامنه‌ای با بیان اینکه فضای غالب جامعه علمی ما از مشروطیت به این سو، چنین وصف و شرحی دارد؛ معتقد است بیش از یک قرن است که جامعه علمی ما با غرب متجدد، تعامل و ارتباط معرفتی برقرار کرده و با دستاوردها و یافته‌های آن آشنا شده و به ترجمه آثار آنها اهتمام ورزیده، اما به فراتر از «ترجمه» اندیشه نکرده و یا در راستای آن، گامی برنداشته است.<sup>۱</sup> این در حالی است که خدای متعال استعداد و قابلیت تولید علم را به قوم و جامعه خاصی اختصاص نداده که بتوان فرض کرد یک یا چند قوم و جامعه باید به تولید علم پردازند و دیگران مصرف‌کننده و دنباله‌رو باشند، بلکه در همه -یا دست‌کم اغلب- اقوام و جوامع، انسان‌هایی وجود دارند که می‌توانند از لحاظ علمی و معرفتی، خلاق، مبدع و نخبه به‌شمار آیند و کاروان علم را پیش ببرند. از این‌رو، این وضعیت که در دنیای کنونی، غریبان به ابتکار و خلاقیت علمی پردازند و جوامع دیگر -و از جمله جامعه ما- به اقتباس محض و ترجمه‌زدگی مشغول باشد، قابل دفاع و موجه نیست. آیت‌الله خامنه‌ای بر این باور است که: «ما به خصوص در زمینه علوم انسانی برخلاف آنچه که انتظار می‌رفت و توقع بود، حرکت مناسب و خوبی نکرده‌ایم، بلکه مفاهیم گوناگون مربوط به این علم را -چه در زمینه اقتصاد و چه در زمینه‌های جامعه‌شناسی، روان‌شناسی و سیاست- به شکل وحی مُنزل، از مراکز و خاستگاه‌های غربی گرفته‌ایم و به صورت فرمول‌های تغییر نکردنی در ذهنمان جا داده‌ایم و براساس آن می‌خواهیم عمل و برنامه خودمان را تنظیم کنیم. گاهی که این فرمول‌ها جواب نمی‌دهد و خراب از درمی‌آید، خودمان را ملامت می‌کنیم که ما درست به‌کار نگرفته‌ایم، در حالی که این روش، روش غلطی است. ما در زمینه علوم انسانی احتیاج به تحقیق و نوآوری داریم» (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۸۲/۰۸/۰۸). چنین مواجهه منفعلانه و مرعوبانه‌ای با علوم انسانی غربی از غرب‌زدگی و ترجمه‌زدگی ما حکایت می‌کند و نشان می‌دهد که ما از جرأت و جسارت نظریه‌پردازی و فاعلیت علمی برخوردار نبوده‌ایم. آیت‌الله خامنه‌ای به دانشجویان علوم انسانی توصیه می‌کند که اقتباس مطلق و مقلدوار از نظریه‌های علوم انسانی غربی را کنار بنهند و با شجاعت و بی‌باکی، به نظریه‌پردازی مستقل و مبدعانه روی آورند: «الگو گرفتن بی‌قید و شرط از نظریه‌پردازی‌های غربی و شیوه ترجمه‌گرایی را غلط و خطرناک بدانید. ما در زمینه علوم انسانی به نظریه‌پردازی احتیاج داریم» (آیت‌الله خامنه‌ای،

۱. «از اواسط دوران قاجار، یک فریفتگی و بیگانه‌زدگی در ما پیدا شد ... که در دوران حکومت پهلوی به اوج رسید و براساس آنها پایه‌های فرهنگی بسیار خطرناکی را در کشور پایه‌گذاری کردند؛ مثل اینکه ایرانی [...] عُرْضه حضور در میدان‌های علم و فرهنگ را ندارد و همچنین نگاه منفی نسبت به همه گذشته فرهنگی و موارث ارزشمند تاریخی و علمی ما» (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۸۵/۰۶/۲۵).



۱۴/۲/۱۳۸۷). ترجمه‌گرایی، نه در عرصه علوم انسانی و نه در عرصه هیچ یک از شاخه‌ها و ساحت‌های علمی، روندی مطلوب و افتخارآفرین نیست. عزّت و اقتدار یک جامعه وابسته به ضریب اثرگذاری و ابداع و تولید آن نیست؛ چنانکه اگر جامعه مصرف‌کننده و مقلّد باشد، ذلیل و فرودست و حقیر خواهد بود. ایشان تصریح می‌کند، «با اینکه علوم انسانی، آغشته به ارزش‌هاست و علوم انسانی غربی از مبادی مادی و ضدّ دینی تغذیه کرده است، اما نباید بهره‌برداری از دستاوردها و نتایج آن را به طور کلی نفی و تقبیح کرد و باب تعامل علمی را مسدود نمود، بلکه حتی باید از آنها فراگرفت و آموخت و تجربه‌های صواب و حق را در این باره روا و بجا دانست، اما این بدان معنی نیست که ما همواره در مقام آموزش و یادگیری متوقف بمانیم و جز تقلید و تکرار هنر و فضیلتی نداشته باشیم. «هیچ ایرادی ندارد که ما از روان‌شناسی و جامعه‌شناسی و فلسفه و علوم ارتباطات همه رشته‌های علوم انسانی که غرب ایجاد و تولید کرده یا گسترش داده [است] استفاده کنیم. من بارها گفته‌ام که ما از یادگیری به هیچ وجه احساس سرشکستگی نمی‌کنیم. لازم است یاد بگیریم؛ از غرب یاد بگیریم، از شرق یاد بگیریم، چنانکه در روایت آمده است «اطلبوا العلم ولو بالصین» ... ما از این احساس سرشکستگی می‌کنیم که این یادگیری، به دانایی و آگاهی و قدرت تفکر خود ما منتهی نشود. همیشه که نمی‌شود شاگرد بود؛ شاگردی می‌کنیم تا استاد شویم. ... ما می‌گوییم علوم انسانی را یاد بگیریم تا بتوانیم شکل بومی آن را خودمان تولید کنیم و این را به دنیا صادر کنیم. ... ما می‌گوییم در این علوم، مقلّد نباشیم» (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۹۰/۰۵/۱۹). «رابطه بین کشورها در زمینه علم باید رابطه صادرات و واردات باشد؛ یعنی در آن تعادل و توازن وجود داشته باشد. ... علم را وارد کنید، عیبی ندارد؛ اما حداقل به همان اندازه که وارد می‌کنید - یا بیشتر - صادر کنید. باید جریان دوطرفه باشد، والا اگر شما دائماً ریزه‌خوار خوان علم دیگران باشید، این پیشرفت نیست. علم را بگیرید، طلب کنید، از دیگران فرابگیرید، اما شما هم تولید کنید و به دیگران یاد بدهید. ... متأسفانه در این یکی دو قرن، شکوفایی علم در دنیا تراز ما، تراز منفی بوده [است]» (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۸۸/۰۲/۲۷). «ما با تقلید و دنباله‌روی علم دیگران بودن مخالفیم، نه با شاگردی و یاد گرفتن علم از دیگران. از این‌رو باید رویکرد «مصرف علم» را به رویکرد «تولید علم» تبدیل کنیم» (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۹۷/۰۳/۲۰).

در فرهنگ توحیدی، به علم از دو منظر نگریسته می‌شود: یکی از این منظر که علم به دلیل کاشفیت از واقع، ارزش ذاتی دارد و امری محترم و انسانی است و دیگری از این منظر که علم، اقتدارآفرین و قدرت‌زا نیز است و جامعه‌ای که از علم برخوردار است، ذلیل و حقیر نمی‌شود و می‌تواند در معادلات و مناسبات جهانی از عزّت و شرف خود دفاع کند و حقوق خود را بستاند. بنابراین، علم علاوه بر کارکرد معرفتی - که کارکرد اصلی و اولی آن است - چنین کارکردی نیز دارد. لذا، اسلام علاوه بر ارزش ذاتی که برای علم قائل است، علم را مایه قدرت و اقتدار جامعه اسلامی نیز می‌داند. «یک ملت برای اینکه عزیز و با کرامت زندگی کند، به قدرت احتیاج دارد و عامل اصلی که به یک ملت، اقتدار می‌بخشد، علم است»



(آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۹۲/۰۵/۱۵). آیت‌الله خامنه‌ای در جای دیگری تصریح می‌کند که «حرکت علمی برای کشور ما، یک ضرورت و نیاز است؛ چون علم عامل عزّت و قدرت یک ملت است. کشوری که دستش از علم تهی است، نمی‌تواند توقع عزّت و استقلال داشته باشد. جمله‌ای در نهج‌البلاغه هست که خیلی جمله پرمغزی است. می‌فرماید: «العلم سلطان من وجدته صالاً به، ومن لم يجدته صیل علیّه» (ابن‌ابی‌الحدید، ۱۳۹۴، ج ۲۰، ص ۳۱۹)، «علم اقتدار است، هر کس این قدرت را به چنگ آورد، می‌تواند غلبه پیدا کند و هر کسی که این اقتدار را به دست نیاورد، دیگران بر او قهر و غلبه پیدا می‌کنند» (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۸۶/۰۶/۱۲). برای ترمیم این ضایعات، ایشان در دوران زعامت خویش تلاش کردند به منظور اعتلای کلمه توحید که یکی از ارکان مهم آن «نقی سبیل» از مسیر دانش و معرفت است، موازنه ترجمه‌زدگی که از دوران پسامشروطه رواج یافته و پذیرش بی‌چون‌وچرای نظرات غربی، همچون پرستش بتی (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۸۴/۱۰/۲۹) بر ذهن‌ها غالب شده بود را به نفع «نهضت تولید علم» (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۹۰/۰۷/۱۲) تغییر دهند و پایه‌های معرفتی جهان اجتماعی توحیدی را از طریق «جنبش نرم‌افزاری» از این مرحله عبور دهند: «جامعه مطلوب اسلام، جامعه‌ای است که در آن، گنجینه‌های فکر و ذهن انسان‌ها که گران‌بهارترین ثروت ملی هر جامعه‌ای است، استخراج و به‌کار گرفته شود» (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۶۹). اگرچه کلیدواژه «تولید علم» در سال ۱۳۷۷ برای اولین بار توسط آیت‌الله خامنه‌ای وارد ادبیات علمی کشور شد، اما کلید آغاز حرکت علمی کشور را می‌توان سخنرانی ایشان در سال ۱۳۷۹ در دانشگاه امیرکبیر و طرح جنبش نرم‌افزاری دانست. تحلیل آماری بیانات مقام معظم رهبری حرکت ایشان به سمت تغییر موازنه نهضت ترجمه به نهضت تولید علم را از ابتدای رهبری تاکنون به‌خوبی روشن می‌سازد. ایشان از سال ۱۳۷۹ تا سال ۱۳۹۰، ۲۱۸۸۱ واژه، صرف تبیین کلیدواژه تولید علم کرده‌اند.<sup>۱</sup> علاوه بر کلیدواژه تولید علم، مفاهیم دیگری نیز به عنوان عناصر پیرامونی این نهضت گفتمانی از همان سال‌ها به کرات مطرح شده که اجزاء و دال‌های پیرامونی گفتمان تولید علم را شکل می‌دهد. برخی از این مفاهیم عبارتند از: «امکان علم دینی»، «نهضت نرم‌افزاری»، «خودباوری علمی»، «جهاد علمی»، «شجاعت علمی»، «آزاداندیشی»، «کرسی‌های آزاداندیشی»، «نوآوری علمی»، «نظریه‌پردازی»، «مدیریت تحقیقات و پژوهش و نظام هماهنگ آن»، «چرخه علمی»، «اقتدار علمی»، «مرجعیت علمی»، «نقشه جامع علمی کشور»، «تحول در علوم انسانی»، «اجتهاد در علوم انسانی»، «بومی‌سازی علم»، «راه‌های میان‌بر علمی» و... .

## ۵-۲. طراحی منظومه‌های فکری

آیت‌الله خامنه‌ای محققان و پژوهشگران حوزه علوم انسانی را به ابداع منظومه‌های فکری توصیه

۱. پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت‌الله العظمی سید علی خامنه‌ای، بخش جستار، کلیدواژه «تولید علم».



می‌کنند، تا مفاهیم و گزاره‌های نظری اسلامی را در قالب و هیئت «منظومه» ارائه نمایند. ایشان خود نیز از دوره پیش از انقلاب، به صورت بنیادی در پی اندیشه‌ورزی بود و می‌کوشید از اسلام، «روایت منظومه‌وار» ارائه کند؛ چنانکه کتاب «طرح کلی اندیشه اسلامی در قرآن» چنین هدفی را دنبال می‌کرد. با این حال، حجم فراوان فعالیت‌های انقلابی و مبارزاتی هیچ‌گاه مجال نداد که ایشان آنچه در ذهن داشت را محقق نمایند. «منظومه فکری» اصطلاحی مشتمل بر دو جزء است؛ یکی «منظومه» و دیگری «فکری»؛ این دو محتاج تدقیق هستند. هنگامی که در مباحث نظری و معرفتی سخن از منظومه به میان می‌آید، هدف عبارت است از انتقاد به وضعی که دلالت بر «پراکندگی»، «تشتت» و «نابسامانی» یا اینکه وضع مورد انتقاد از بخشی‌نگری و تک‌بعدی‌اندیشی حکایت دارد. در این صورت توصیه می‌شود که برای رهایی از چنین نقص‌هایی، مسیر منظومه‌سازی در پیش گرفته شود. از این‌رو، «منظومه» به معنی یک «ساخت» و «بافت» است که اولاً، مشتمل بر مجموعه‌ای از «اجزاء» و «عناصر» است (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۸۹/۰۷/۱۴) و ثانیاً، اجزاء و عناصر یاد شده، ارتباطات منطقی و اتصالات مستحکمی با یکدیگر دارند و پراکنده نیستند (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۸۸/۰۷/۰۲). پس، در منظومه، قطعات مختلف در جای خود نشانده می‌شوند و در نهایت یک ترسیم کامل به وجود می‌آید. بر این اساس، ایشان از معناداری «منظومه فکری اسلامی»، «منظومه معرفتی اسلام»، «منظومه ارزشی اسلام»، «آرایش منظومه احکام عبادی اسلام»، «منظومه مفاهیم قرآنی»، «منظومه فکری انقلاب اسلامی»، «منظومه نظام جمهوری اسلامی» و «منظومه فکری امام خمینی» سخن می‌گوید. ضرورت و بایستگی ایجاد منظومه‌های معرفتی از دیدگاه توحیدی آن است که جبهه حق در منظومه‌های فکری غربی هضم نگردد و به دلیل اینکه علوم انسانی غربی، ماهیتی سکولار دارد، در پی ایجاد «علوم انسانی اسلامی» هستیم. بنابراین، برای آنکه در امتداد مدرنیته قرار نگیریم و ناچار به اقتباس ساختاری و أخذ وسیع از نظرات آنان نشویم، بدیهی است که باید در مقابل رهیافت‌ها و رویکردهای نظری غربی، بتوانیم رهیافت‌ها و رویکردهای نظری مستقل و بومی ایجاد کنیم، نه اینکه کار خود را در مرحله نظریه‌پردازی تمام‌شده قلمداد نماییم. به بیان دیگر، در جهان اجتماعی توحیدی برای اینکه بتوانیم در برابر منظومه‌های فکری تجدیدی سر بلند کنیم و بایستیم، چاره‌ای جز ساخته و پرداخته کردن منظومه‌های فکری بدیل و موازی نداریم و نباید انتظار داشته باشیم که نظریه‌های جدا از هم و اندیشه‌های پراکنده، هر اندازه هم که زیاد و انبوه باشند، بتوانند از عهده کامیابی در این رویارویی تاریخی برآیند.

## ۶. مرجعیت علمی، هدف نهایی ساحت معرفتی جهان اجتماعی توحیدی

«مرجعیت علمی» مهم‌ترین هدفی است که آیت‌الله خامنه‌ای برای تکمیل پازل معرفتی جهان اجتماعی توحیدی و شکل‌گیری جنبش نرم‌افزاری در نظر دارد. اصطلاح علمی مرجعیت علمی، نخستین



بار توسط ایشان در دیدار با دانشجویان و اساتید دانشگاه امام صادق (ع) در روز عید غدیر (۲۹ دی ماه ۱۳۸۴) مطرح گردید که دیدگاه‌ها و تعبیر متعددی را در پی داشت. برخی از این دیدگاه‌ها عطف به ماسبق بوده و مرجعیت علمی را واژه‌ای دانسته که مصداق‌های آن در ادوار مختلف تاریخ تمدن اسلامی ایرانی اتفاق افتاده است (قبادی، ۱۳۸۵، ص ۱۸). برخی دیگر، مرجعیت علمی را ناظر به آینده پیشرفت‌های علم و فناوری در بیانات رهبری دانسته، به گونه‌ای که «دنیای از نظرات ما استفاده کند» (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۸۴/۱۰/۲۹) و «جوینده دانش، طالب علم، مجبور باشد بیاید سراغ شما، سراغ کتاب شما» (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۸۷/۰۹/۲۴). بنابراین، با این تعبیر، مرجعیت علمی «ایجاد بنای مستقل علمی» با استفاده از «فرهنگ اسلامی- ایرانی» است (رودی، ۱۳۸۹، ص ۳۳). آیت‌الله خامنه‌ای اثر مهم مرجعیت علمی را احساس افتخار و عزت در بین مسلمانان و شکل‌گیری نمادی از کارآمدی اسلام بیان کرده و معتقدند «تحقق مرجعیت علمی، یکی از اهداف نقشه جامع علمی کشور است که در افق چهل یا پنجاه ساله دست‌یافتنی است» (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۸۷/۰۹/۲۴). از اقدامات مهم و تعیین‌کننده ایشان در راستای مرجعیت علمی، پیشنهاد تأسیس یک «مرکز ISI اسلامی» است (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۸۳/۱۰/۱۷). ایشان پیشرفته بودن ایران اسلامی را پشتوانه این اقدام و هدف از آن را ایجاد یک مرکز معتبر و متعلق به «جهان اسلام» دانستند و آن را نافی تعامل با ISI نمی‌دانند. مطالعه بیانات آیت‌الله خامنه‌ای پیرامون «مرجعیت علمی» حاکی از آن است بیشترین تأکید ایشان بر مرجعیت علمی از بُعد «علمی و فناوری» در همه اسناد، از بُعد فرهنگی در رتبه بعدی و از بُعد مدیریتی در رتبه سوم است (موسسه سیاست‌های علمی کشور، ۱۴۰۰/۱۱/۱۶). آنچه از تحلیل مضامین بیانات ایشان به دست می‌آید، این است که بیشترین تأکید آیت‌الله خامنه‌ای پیرامون مرجعیت علمی، در حوزه راهبری است که قاعداً با توجه به شأن و جایگاه ایشان در تعیین جهت‌گیری‌های کلان و سطح سیاست‌گذاری این حوزه خواهد بود.

## ۷. نتیجه‌گیری

از دیدگاه آیت‌الله خامنه‌ای، عرصه اندیشه منفک از عمل نیست و لازمه چنین منطقی آن است که معارف اسلامی و در رأس آنها کلان‌آموزه توحید از ساحت اندیشه در تمامی ساحت‌های زندگی فردی و اجتماعی انسان سریان یابد. تحقق چنین هدفی، در گام نخست نیازمند آن است که انگاره توحید با طی فرایندی، از آموزه‌ای صرفاً اعتقادی، وارد ساحت بین‌الذهانی شود تا در گام‌های بعد جایگاه خود را در شکل دادن به واقعیت‌های اجتماعی و ساختارپردازی و ورود به سبک زندگی، بیابد. چنانچه جهان اجتماعی توحیدی، نظام علمی و معرفتی متفاوتی را برای خود طراحی و تولید نکند، به ناچار، دست‌نیاز به سوی نظام‌های علمی و معرفتی معارض دراز خواهد کرد؛ نظام‌هایی که با تفکر توحیدی، سرسازگاری و همراهی ندارند. در نتیجه، از یک‌سو مدیران و کارگزاران براساس همین نظام‌های علمی و معرفتی



سکولار و ضدّ دینی تربیت خواهند شد و از سوی دیگر، ساختارهای اجتماعی نیز صورت و ماده‌ای متناسب با علم سکولار خواهند یافت. در رهیافت تدبیری آیت‌الله خامنه‌ای، از آنجا که عرصه اندیشه منفک از عمل نیست، برای سریان یافتن توحید از ساحت اندیشه در تمامی ساحت زندگی فردی و اجتماعی انسان، نیازمند آن است که این انگاره معرفتی، از آموزه‌ای صرفاً اعتقادی، وارد ساحت بین‌الذهانی شود تا در گام‌های بعد جایگاه خود را در شکل دادن به واقعیت‌های اجتماعی و ساختارپردازی و ورود به سبک زندگی بیابد. برای دستیابی به چنین مقصودی باید چند فرایند را پشت‌سر نهاد:

۱. با قرار گرفتن در وضع عینی واقعیات اجتماعی، باید دلالت‌ها و کارکردهای انگاره توحید را استخراج کرده و نظام مفاهیم بنیادین مبتنی بر توحید را به‌عنوان نرم‌افزار نظام اجتماعی ایجاد کنیم.
۲. در همین راستا، لازم است سیر نهضت ترجمه را به سمت نهضت تولید علم، با تبدیل مضامین خام منابع وحیانی به نظریه، از طریق اندیشه‌ورزی، خلاقیت و نوآوری تغییر داد.
۳. در گام سوم، با توجه به تفاوت غایات در علوم انسانی سکولار و علوم انسانی مبتنی بر انگاره توحیدی، باید به دنبال تولید علوم انسانی اسلامی به‌عنوان بستر ساختارپردازی توحیدی بود.
۴. آخرین گام، تحقق مرجعیت علمی است که قطعه تکمیل‌کننده پازل معرفتی جهان اجتماعی توحیدی است؛ زیرا جهان توحیدی تا زمانی که به جایگاه پرچم‌داری در علم نایستد، توان بسط توحید در تعاملات و روابط فرهنگی، اجتماعی و سیاسی را نخواهد یافت.



## منابع

### قرآن کریم

- آشوری، داریوش (۱۳۷۶). *ما و مدرنیته*. تهران: نشر صراط.
- ابن ابی الحدید (۱۳۹۴). *شرح نهج البلاغه*. تهران: نیستان، ج ۲۰.
- ادگار، اندرو و دیگران (۱۳۸۸). *مفاهیم کلیدی در نظریه فرهنگی*. ترجمه ناصرالدین علی تقویان. تهران: دفتر برنامه‌ریزی اجتماعی و مطالعات فرهنگی و پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی.
- پارسانیا، حمید (۱۴۰۰). *جهان‌های اجتماعی*. تهران: کتاب فردا، چاپ چهارم.
- خامنه‌ای، سید علی (۱۳۸۴/۰۱/۰۱). *بیانات در دیدار زائرین و مجاورین حرم مطهر رضوی*. قابل دسترس در:  
<https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=3274>
- خامنه‌ای، سید علی (۱۳۸۸/۰۷/۰۲). *بیانات در دیدار با اعضای مجلس خبرگان رهبری*. قابل دسترس در:  
<https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=8094>
- خامنه‌ای، سید علی (۱۳۹۹/۱۲/۰۴). *بیانات در دیدار اعضای مجلس خبرگان رهبری*. قابل دسترس در:  
<https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=47396>
- خامنه‌ای، سید علی (۱۳۸۲/۰۸/۰۸). *بیانات در دیدار با استادان دانشگاه*. قابل دسترس در:  
<https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=3201>
- خامنه‌ای، سید علی (۱۳۹۱/۰۶/۰۹). *بیانات در اجلاس سران جنبش عدم تعهد*. قابل دسترس در:  
<https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=20840>
- خامنه‌ای، سید علی (۱۳۷۳/۱۰/۱۰). *بیانات در دیدار با کاکوزاران نظام*. قابل دسترس در:  
<https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=2735>
- خامنه‌ای، سید علی (۱۳۸۶/۰۶/۱۲). *بیانات در دیدار با نخبگان جوان*. قابل دسترس در:  
<https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=3399>
- خامنه‌ای، سید علی (۱۳۹۰/۰۷/۱۳). *بیانات در دیدار با جمعی از نخبگان و برگزیدگان علمی*. قابل دسترس در:  
<https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=17466>
- خامنه‌ای، سید علی (۱۳۹۰/۰۷/۱۳). *بیانات در دیدار با جمعی از نخبگان و برگزیدگان علمی*. قابل دسترس در:  
<https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=17466>
- خامنه‌ای، سید علی (۱۳۸۷/۰۲/۱۴). *بیانات در دیدار با استادان و دانشجویان دانشگاه*. قابل دسترس در:  
<https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=3431>
- خامنه‌ای، سید علی (۱۳۸۹/۰۷/۱۴). *بیانات در دیدار نخبگان جوان*. قابل دسترس در:  
<https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=10233>
- خامنه‌ای، سید علی (۱۳۹۰/۱۱/۱۴). *بیانات در خطبه‌های نماز جمعه*. قابل دسترس در:  
<https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=18923>



خامنه‌ای، سید علی (۱۴۰۱). طرح کلی اندیشه اسلامی در قرآن. قم: صهبا، چاپ سی و نهم.  
خامنه‌ای، سید علی (۱۳۹۲/۰۵/۱۵). بیانات در دیدار با استادان دانشگاه. قابل دسترس در:

<https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=23451>

خامنه‌ای، سید علی (۱۳۸۳/۱۰/۱۷). بیانات در دیدار با جمعی از رؤسای دانشگاه‌ها. قابل دسترس در:

<https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=3266>

خامنه‌ای، سید علی (۱۳۹۰/۰۵/۱۹). بیانات در دیدار با دانشجویان. قابل دسترس در:

<https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=16912>

خامنه‌ای، سید علی (۱۳۹۷/۰۳/۲۰). بیانات در دیدار با استادان دانشگاه‌ها و پژوهشگران. قابل دسترس در:

<https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=39877>

خامنه‌ای، سید علی (۱۳۸۷/۹/۲۴). بیانات در دیدار با اساتید و دانشجویان دانشگاه علم و صنعت ایران. قابل دسترس در:

<https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=4992>

خامنه‌ای، سید علی (۱۳۸۵/۰۶/۲۵). بیانات در دیدار با نخبگان جوان. قابل دسترس در:

<https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=3351>

خامنه‌ای، سید علی (۱۳۸۲/۰۹/۲۶). بیانات در دیدار با جمعی از دانشجویان قزوین. قابل دسترس در:

<https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=5703>

خامنه‌ای، سید علی (۱۳۸۸/۰۲/۲۷). بیانات در دیدار با استادان و دانشجویان کردستان. قابل دسترس در:

<https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=6917>

خامنه‌ای، سید علی (۱۳۸۹/۰۷/۲۹). بیانات در دیدار با طلاب و استادان حوزه. قابل دسترس در:

<https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=10357>

خامنه‌ای، سید علی (۱۳۸۲/۱۰/۲۹). بیانات در دیدار جمعی از نخبگان حوزوی. قابل دسترس در:

<https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=8616>

خامنه‌ای، سید علی (۱۳۸۴/۱۰/۲۹). بیانات در دیدار با اساتید و دانشجویان دانشگاه امام صادق(ع). قابل دسترس در:

<https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=3328>

خامنه‌ای، سید علی (خرداد ۱۳۶۹). پیام به مناسبت اولین سالگرد امام خمینی.

رودی، کاوه (۱۳۸۹). دانشگاه و مرجع علمی: براساس تجربه دانشگاه امام صادق(ع). تهران: دانشگاه امام صادق(ع).

زرین کوب، عبدالحسین (۱۳۸۹). تاریخ ایران بعد از اسلام. تهران: موسسه انتشارات امیرکبیر.

زیدان، جرجی (۱۳۸۹). تاریخ تمدن اسلامی. ترجمه علی جواهرکلام. تهران: امیرکبیر.

قبادی، عبدالحمید (۱۳۸۵). مرجعیت علمی با رویکرد اسلامی. رسالت.

قطب، سید (۱۳۸۷). آینده در قلمرو اسلام. ترجمه آیت الله خامنه‌ای، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، چاپ ششم.

مظهری، مرتضی (۱۳۹۲). خدمات متقابل اسلام و ایران. تهران: صدرا.



منشور نهضت آزاداندیشی و تولید علم. دبیرخانه نهضت تولید علم، حوزه علمیه قم، ۱۳۸۲.  
موسسه سیاست‌های علمی کشور (۱۴۰۰/۱۱/۱۶). نقش رهبری در توسعه فناوری، تبیین مرجعیت علمی در  
اندیشه و گفتار مقام معظم رهبری.  
مولانا، حمید (۱۳۸۰). ظهور و سقوط مدرن. تهران: کتاب صبح.

Lawson, T. & Garrod, J. (2001). *Dictionary of sociology, series editor Lan Marcouse, Fitzroy Dearborn*. London: Chicago.

Lockwood, R. (1970). *Power and Ideological state apparatuses: Foucault vs althuser*.

Wagner, H.R. (1970). *Alfred Schutz on phenomenology and social relations*. University of Chicago.